**سیر اندیشه‏های معماری**

**(تاریخ شهر – لئوناردو بنه‏ولو)**

**مقدمه**

تاریخ شهر لئونارد بنه ولو (شهرهای اسلامی و اروپایی در قرون وسطا) به بررسی شکل‏گیری محیط قرون وسطا و تغیراتی که در آن دوران اتفاق افتاده می‏پردازد. در این پرداخت، همزمانی تاریخی با شهرهای اسلامی و همچنین بررسی وضعیت چندین شهر در دوران قرون وسطا ارائه گردیده است. روند تاریخی و تدریجی که بنه ولو در نگارش خود از آن استفاده می‏کند، کلید سیر اندیشه‏ایست که به تدریج در دولت‏های جوامع آن روز (البته با تأثیراتی که از همتایان خود می‏گرفته اند) شکل می‏گرفته است.

روند توسعه شهرها، افول و فراز آنها در طول این دوره تاریخی، بنا به دلایل گوناگون که اکثر آنها ریشه در اقتصاد، فرهنگ، جامعه شناسی زمان و دین و ... عواملی است که در یک روند تاریخی مورد بحث قرار می‏گیرد.

هدق از ارائه این گزارش بررسی خلاصه‏ای از عناوین مطرح شده در کتاب با برداشت‏های شخصی و تطبیق آن با سایر منابع مرتبط می‏باشد تا بتوان به یک چارچوب نظری کلی در مورد تاریخ مذکور دست یافت.

**فصل اول. شکل‏گیری محیط قرون وسطا**

در فصل نخست، بنه ولو با اشاره به برخی شهرهای کهن و تخصیص دوره زمانی افول و بازگشت آنها و نیز مقایسه چند شهری که هنوز پابرجا هستند و شهرهایی که حیات کنونی ندارند و نیز شهرهای که اکنون به عنوان مادرشهر بزرگ (پاریس و لندن) هستند، سیر تاریخی شکل گیری دوران قرون وسطا را با محوریت فعالیت‏های حومه شهرها و قیاس درجه اهمیت آنها با شهر به واسطه اهمیتی که از جنبه اقتصادی می‏یابند، بررسی می‏کند. این اتفاق تا مرحله ای ادامه می‏یابد که شهر و روستا از بعد درجه اهمیت به یک توازن نسبی می‏رسند. اشاراتی به حضور کلیسا در حومه به دلیل قوانین زمانه می‏گردد و در واقع زمینه را برای بزرگتر شدن نام و وسعت شهر فراهم می‏کند.

با توجه به وسعت و پتانسیلی که در دهکده ها و حومه شهرها وجود داشت و به تبع آن رشد روزافزون آنها و مورد توجه قرار گرفتن‏شان، فاصله ظاهری بین آنها نیز کاسته شد. معماری آزادانه‏تر که تا حدی ریشه در پیروی از خط و خطوط طبیعی بافت محل زندگی ساکنین داشت، آن نظم و کمال طلبی دوران سابق را کم کم به فراموشی می‏سپرد.

**فصل دوم. شهرهای اسلامی**

آنچه محوریت این فصل را تشکیل می‏دهد، قیاس بین شهرهای اسلامی و شهرهای اروپایی زمان خود است. جایی که سده های 8 تا 12 مورد بررسی قرار گرفته‏اند و رشد شهرهای اسلامی در آن با توجه به معیارهای نوینی که گویی تداوم نسل قبلی معماری منطقه است در آن رخ می‏نماید.

تفاوت‏های ظاهری و باطنی در فلسفه شکل گیری نظام شهری آن دو وجود دارد. جایی که شهرهای اسلامی با تکیه بر موازین قرآن و با توجه به تفاوت‏های بینشی و فرهنگی آنها، ظاهری متفاوت را در سیمای شهری و معماری خود رقم زده‏اند. درون گرایی، گذرهای باریک و ناهمگون و نامنظم، عدم وجود فضاهای جمعی مشترک به سان آگورا یا فروم، تفاوت در فلسفه مسجد (به عنوان یکی از معدود بناهای قابل تجمع) با کلیسا و به کل سادگی در قیاس با پیچیدگی‏های ظاهری از ویژگی‏های است که می‏توان برشمرد.

رشد و توسعه برخی از شهرهای آن دوره از قبیل بغداد به عنوان یکی از بزرگترین شهرهای کل دوران با جمعیتی که تا آن زمان شهری به خود ندیده بود، بسیار مشهود بود؛ تبدیل شدن آن به یک مرکز تبادل اسلامی و به تبع آن تأثیراتی که بعدها بر معماری قسمتی از اروپا می‏گذاشت مورد اشاره قرار گرفت.

حرکت جفرافیایی شهرهای اسلامی به سبب وسعت و پهنه‏ای که پوشش می‏داد، تأثیراتی را نیز وارد اروپا می‏کرد. شکل گیری شهرهای جدید در دوره اسلامی بر پایه همین نظام همچون اصفهان، نوعی آرمان شهری را به همگان نشان می‏داد. سیر پویایی که حالا توجه خیلی از مناطق را به خود معطوف می‏دید.

**فصل سوم. شهرهای اروپایی در قرون وسطا**

افزایش جمعیت به سبب تجدید رشد و حیات اقتصادی اروپا در اوان قرن دهم که پیامد اسکان آخرین اقوام مهاجم اعراب، وایکینگ ها و مجارها و نیز رشد صنعت کشاورزی و تأثیر شهرهای بندری عنوان گردید.

در این برهه نوبت به گسترش دولت‏شهرها (نوعی پیوند بین روستا و شهر که در فصل اول به تأثیرات آن اشاره گردید.) رسید جایی که بخشی از جمعیت جدیدی که نمی‏توانست در روستا مشغول به کار شود وارد شهر شد. در این دوره که نظام حاکم به گونه‏ای فئودالی بود، در اطراف خود رشد صنعترگان و بازرگانان را می‏دید. با افزایش جمعیت شهرها، نواحی در اطراف شهر به نام حومه شکل گرفت که پس از چندی از خود شهر نیز بزرگتر شد. این توسعه منجر به باز کشیده شدن استحکامات دفاعی و افزایش شعاع حصار و باروهای شهر می‏شد.

به تدریج نوبت به شکل گیری نظام‏های جدید با اکثریت افراد می‏رسید. به تبع با بزرگتر شدن شهرها و اقشاری که از ابتدا داخل آن بیشتر بودند (نظیر صنعتگران و بازرگانان) و به سبب شرایط مناسب اقتصادی که برای خود فراهم می‏کردند، بورژواها را شکل دادند. اینجا به نوعی نقطه آغاز درگیرهای بین بورژواها و نظام فئودالی حاکم قابل مشاهده است.

وابستگی دولت‏شهرها به روستاییان برای چرخاندن چرخ اقتصادشان و از طرفی عدم تواناییشان در توزیع عدالت بین شهر و روستا که پیامد آن عدم خودکفایی نظام روستاهای خاوندی و فرستادن نیروی کار به روستاها بود و کم کم حکومت‏های خودمختار را با هدایت کلانتر به خود می‏دید.

در این بخش، به تمایزاتی مابین فرهنگ قرون وسطا با فرهنگ عهد باستان نیز اشاره گردید که از این بین می‏توان، به عدم تلاش برای برقراری الگوهای مشخص در فرهنگ قرون وسطایی به نسبت عهد باستان به عنوان مهمترین فاکتور اشاره کرد.

تأثیرات این تمایزات را می‏توان در نظام شهری آنها نیز مشاهده کرد؛ شبکه خیابان‏ها، کوچه‏ها و فضاهای جمعی و عموی، میزان سادگی و پیچیدگی، عدم انتظام در باروهای شهر به دلایل اقتصادی و ...

در ادامه به نحوه شکل‏گیری و توسعه برخی شهرها پرداخته شد و سیر تغییرات آنها مورد بررسی قرار گرفت و روند شکل گیری شهرهای جدید واکاوی شد.

**نظریه های مربوط به پیدایش شهرها در قرون وسطی:**

**نظریه پاتریمونی:**

"بنا بر نظریه های رمانتیستی، شهرهای قرون وسطی مستقیما از شهرهای روم قدیم سر به بیرون آوردند. پیروان این نظریه پاتریمونیال که در میان قرن نوزدهم در آلمان پدید آمدند، معتقد بودند که شهرها از پاتریمون (ملک) فئودال برخاستند. بر اساس این نظریه، تمام طبقات اصلی شهرها از "پاتریمونی " منشأ گرفته و تأسیسات شهرهای گوناگون صرفا نتیجه گسترش بیشتر اراده پاتریمونی بوده است. بورگ آلمانی که در آلمان بوجود آمد براین عقیده است که اتحادیه های نظامی ژرمن‏ها که گویا برای دفاع اعضای خود که در آن سوی دیوارهای دژ (بورگ) مستقر می‏شدند، پایه کمون شهری بشمار می‏آید.

**نظریه پادگانی:**

نظریه پادگانی که توسط تیلند مورخ انگلیسی قرن نوزدهم مطرح شد، با نظریه بورگ شباهت بسیاری دارد. تیلند معتقد است که مالکان بزرگ انگلیسی افراد خود را برای ساختن استحکامات و تأسیس پادگان به نقاط گوناگون می‏فرستادند. این دژها بعدها بصورت شهر درآمدند. تنها تفاوت میان شهر و ده این بود که در شهر خانه‏ها و اراضی در تملک مالکان مختلف قرار داشت.

**نظریه کمون (مارک):**

بارر، نظریه کمون (مارک) خود را گسترش داد و به منشأ شهرها نیز شمول بخشید. وی عقیده دارد که جمعیت و سازمان شهر قرون وسطایی، مستقیماً از کمون قبیله ای ژرمن - مارک پدید آمده است.

**نظریه بازار:**

نمایندگان نظریه بازار نیز منحصراً به جنبه حقوقی مسأله توجه کرده‏اند. آنان عقیده دارند که ویژگی‏های اصلی شهر در قوانین آن منعکس شده است. براساس عقاید آنها، این قوانین مبتنی بر امتیازاتی است که در آغاز برای بازارهای باستانی برقرار شده بود. "نظریه بازار "بیشتر توسط پیرنه پرداخته شده که او تاثیر بسیاری بر مورخان غربی داشت. نظریه او ناشی از ارزیابی مبالغه آمیز اهمیت تجارت بود. وی عقیده داشت که تجارت، باعث ایجاد شهرها در قرون وسطی شد. اما واقعیت این است که پیشرفت کشاورزی و انواع پیشه و فن و مهارت ها، هر دو به زمان و کارورزی بسیاری نیازمند بودند. با گذشت زمان، پیشه وران ماهری از میان دهقانان برخاستند. پدران مهارت و تجارت خود را به فرزندان منتقل کردند هر دهکده ای، آهنگران، درودگران، دباغان، کوزه گران و دیگر پیشه وران خود را داشت. پیشه وران که وقت کمتری برای پرداختن به امور کشاورزی می یافتند، به تدریج پیشه وری شغل اصلی آنها می شد و در نتیجه ی پیشرفت اقتصادی، پیشه ها به تدریج از کشاورزی جدا شدند. پیشه وران برای در امان ماندن از حملات چپاولگرانه شوالیه‏ها، خندق‏هایی به دور قصبه‏هایی که در آنها سکونت داشتند می‏کندند و آنها را با خاکریزهایی که رویشان را پرچین‏بندی کرده بودند، محصور می‏ساختند.

بعدها، دیوارهایی سنگی ستبر جای خاکریزها را گرفتند. با افزایش جمعیت، دومین و گاهی اوقات سومین ردیف استحکامات نیز به گرد شهرها ساخته شد. بدین سان، اقامتگاه‏های پیشه وران و بازرگانان به شهرهای مستحکم تبدیل می‏شد. "

**منشأ شکل‏گیری شهرها:**

چه زمانی در قرون وسطی روستایی موقعیت شهری کسب می‏نموده است؟

چرا تنها روستاهای خاص به شهر بدل شده و روستاهای نزدیک را در بر می‏گرفتند. در حالیکه سایر روستاهای مجاور فرم نخستین و عملکرد کشاورزی خود را تا انقلاب حفظ نمودند؟

قبل از شروع بحث باید متمرکز شد که شهرهای قرون وسطی بسیارکوچک بودند و از روستاهای مجاور خود چندان بزرگتر نبودند. هنگامی‏که این روستاها، مرکز تجاری محلی را به وجود آوردند و صنعتی که بخش کوچکی از جمعیت را به خود مشغول نمود را کسب نمود، به شهر تبدیل شدند. در زمانی‏که این شهرها قدرتمند شده و تجارت خود را گسترش دادند صنایع صنعتی گسترش پیدا کرده و ارتباط خود را با بخش کشاورزی کم کردند.

به طور کلی می‏توان گفت که در صورت وجود فعالیت‏های تجاری و زمینه اقتصادی مناسب، سایر ابعاد و جوانب زندگی شهری به وجود خواهند آمد. اما در صورت فقدان فعالیت‏های تجاری، شهری نیز بوجود نخواهد آمد.

در بدو امر توسعه تجارت و فعالیت های صنعتی، تأثیر چندانی بر روابط سنتی میان تیولداران و شهرنشینان نداشت. هرچند شهروندان شهرها با ایجاد گروه‏های بزرگتر و ثروتمندتر از جمع رعایای روستانشین، در اغلب موارد، امتیازاتی را به زور از حکام خود کسب می‏نمودند. هدف و خواسته شهرنشینان کنترل هرچه بیشتر منافع خود و تأمین امنیت فعالیت‏های تجاری ایشان در برابر رقبا بود.

به همین ترتیب شهرها خواستار حکم مدنیت بودند که به شهرموقعیت متحده داد و امتیازات مهم بسیاری را برای سکنه شهر تأمین می‏نمود.

در روستاهای خاصی که موقعیت شهری را بدست می‏آوردند، به عملکرد تجاری روستاها بر می‏گردد. بعضی از روستا ها از آن‏رو به مراکز تجاری بدل شدند که در مسیرهای عبور و مرور قرار گرفته و جذابیت معمول محل‏های طبیعی توقف را داشتند.

**وضعیت شهر نشینی در قرون وسطی:**

شهرهای قرون وسطی از فرم و کلیت تبعیت نمی‏کردند. شهرهای متروک روم و آنهایی که از جمعیت کمتری برخوردار شده بودند بافت اصلی خود را از دست داده و رفته رفته طی بازسازی مجدد شهرها، تبدیل به شهرهای بدون طرح و ارگانیک قرون وسطی گردید و از شبکه شطرنجی اولیه خود دور ماند.

شهرها در آغاز سده‏های میانه نادر و پراکنده بودند و در قرن های یازدهم و دوازدهم میلادی اکثر اسکان‏ها به شهر تبدیل شدند. این اسکان‏ها یا آثار باقیمانده از شهرهای رومی بودند که حیاتی مجدد می‏یافتند و یا قلعه‏هایی بودند که در قرن نهم به صورت پایگاه‏های محصوری ساخته شده و بعداً عملکرد تجاری نیز یافتند؛ و یا دوباره اسکان‏های روستایی بر اساس اقتصادی کشاورزی بودندکه از امکانات جغرافیایی محل بهره برده و از روستا به شهر مبدل شدند.

شهرهای جدید در بسیاری موارد بر بقایای شهرهای کهن بنا شدند، اما با خصوصیات اجتماعی و طرح معمارگونه متفاوتی که آنها را مستقیماً به شهرهای مدرن امروزی پیوند می‏دهد.

شهرهای پاریس و لندن بخش اصلی قرون وسطایی خود را حفظ کردند و به شهرهای بزرگ و جدید تبدیل شدند. در حدود سنه 1100 میلادی، شهرهای کوچک برای رهایی از قید فئودالیسم سخت تلاش می‏کردند و جمهوری‏های کوچک خودمختاری تشکیل می‏دادند. در اماکنی که شهرها بزرگتر و نزدیک به هم بود. در نقاطی که بر شاهراه‏های تجاری بزرگ قرار گرفته بودند، مانند شمال ایتالیا و حوزه‏های علیای دانوب و سرزمین فنلاند و کرانه دریای بالتیک این امر بخوبی تحقق یافت.

ونیز، ژن، پیرا، فلورانس و میلان هر کدام شهرای مستقل و بر اراضی مجاور مسلط شدند. در قسمت حوزه ون و سواحل بحر شمال و بالتیک، بسیاری از شهرها در داخل امپراتوری مقدس روم مستقل گردید و هر کدام به سهم خود جمهوری کوچکی تشکیل داد که خود را مطیع و منقاد هیچ کس نمی‏دانست، الا یک نفر و آن هم امپراتوری بود که معمولا بی عرضه بود و با آن شهر فرسنگ‏ها فاصله داشت.

در قرن دوازدهم، شهرهای انگلیس و فرانسه چندان مقتدر نبودند و لذا استقلال کمتری پیدا کردند، ولی هر یک از طرف پادشاه برای آزادی خود منشوری دریافت می‏نمودند. طبق این منشورها هر شهری حق داشت که به میل خود اعمال آن دولت محاکمه حقوقی و دادگاه‏های خود را تأسیس کند و در ازای تعهداتی که به جای سنن فئودالیته به گردن گرفته بود، مالیاتی را که خاص خود می‏دانست به خزانه سلطان بفرستد.

شهر به عنوان جامعه‏ای با تراکم و جمعیتی قابل ملاحظه است که متخصصان غیر کشاورز از جمله قشر برگزیده و باسواد را در خود جای می‏دهد.

شهر در هر دوره ای که پدیدار شد با مهاجرت ساکنان آن از خارج به عنوان زیستگاهی هم بسته نمایان شد. در شهرهای نخستین قرون وسطی، کارگزاران شهسوار و سربازان مزدور، کشیش‏ها و کاهن‏ها رو در روی یکدیگر بودند و در این زمان قبل از رهایی سرف‏ها از قید بندگی، قشر مستقل شهری به آرامی پدیدار گشت.

در قرون وسطی با پیدایش خانواده‏های اشرافی که مقام خود را با تکیه بر استقلال اقتصادی بدست می‏آوردند در بسیاری از شهرهای ثروتمند شمالی و نیز جنوبی همانند دوران باستان، شهسوارانی پدید می‏شود که هر یک دارای یک اصطبل هستند. این گونه شهسواران یا نگهبانان دژ به موازات بورگرهای معمولی و بورگر‏های شهر، شکل‏گیری گروه‏ها بر حسب منزلت اجتماعی پدیدار شد.

در این قرون، طایفه ها از ابتدا نیرومند نبودند و پس از مدتی کوتاه اهمیت خود را به عنوان عناصر تشکیل دهنده شهر به کلی از دست دادند. بدین سان شهرها تبدیل به کنفدراسیونهایی از بورگرای منفرد (مالکان خانه) شد.

شهروند قرون وسطی از آغاز موجودیت خود، گونه ای "کمون" به شمار می آمد.

در اروپای قرون وسطی، اشراف ایتالیایی در شهرها زندگی می‏کردند در صورتیکه طبقات اشراف سایر مناطق اروپا در مغز حکومتی خود در روستا ها بسر می‏بردند و تنها توانگران آنان مکان سکونت دومی نیز در شهرها در اختیار خود داشتند. اولین نوع شهر که در قرون وسطی گسترش داشت اسقفی شهر بود. اسقف ها در رأس امور مردم قرار داشتند و مسئول مناسب در کلیساها و داخل شهرها بودند.

**وضعیت ظاهری مهمترین ساختمان های شهری**

**شکل ظاهری و فرم شهرها:**

"پس از سقوط امپراطوری روم در قرن پنجم میلادی از رونق شهرنشینی در اروپا تا حد زیادی کاسته شد" شکل شهر ثبات سیاسی و احیاء روابط تجاری در قرن دهم و یازدهم میلادی مبانی مجدد به بسیاری از شهرهای رومی بخشید و پادگانهای نظامی به شهرهای تجاری تبدیل شدند و به این ترتیب سیر تدریجی تحول روستا به شهر آغاز گرفت. در طول قرن سیزدهم این امر با شدت بیشتری انجام گرفت.

شهرهای قرون وسطی از لحاظ شکل و ظاهر تقریبا مشابه یکدیگر هستند. به عناصر اصلی تشکیل دهنده شهرها می توان حصار، خیابان، فضای بازار، صحن کلیسا و...اشاره نمود که به طور جداگانه به تشریح مفصل هرکدام از اجزا می پردازیم.

مهمترین عوامل تعیین کننده فرم شهرهای ارگانیک در اروپا، محدوده های مالکیت و راههای ارتباطی بوده است. این دو عامل مصنوع به همراه محدودیتهای طبیعی عوارض زمین عملا فرم شهرهای ارگانیک را تعیین کرده اند.

توسعه روستا به تدریج صورت گرفته و در صورت کوچک بودن قطعات زمین های مزروعی، مزرعه به مزرعه و در صورت بزرگ بودن آنها با گسترش به درون آنها صورت گرفته است. وجود مزارع کوچک که در صورت توسعه روستا اساس شهری منظم را بوجود می آوردند، و در صورت چنین توسعه ای جاده پر پیچ و خمی که از میان مزارع می گذرد و احتمالا به عنوان یکی از خیابان های اصلی شهر به همین شکل باقی می ماند.

شهرها نسبت به روستاهای مجاور، متراکم تر و همچنین ثروتمند تر بودند. این تمرکز قدرت اقصادی نه به کمک شخم و حیوانات که از طریق کارگاه ها و مغازه ها میسر گردیده بود.

شهرهای قرون وسطی برخلاف شهرهای دوران باستان شکل و شمایل کاملا دگرگونی دارند و کارکرد نظامی از اهمیت کمتری برخوردار است. بلکه کارکرد اقتصادی شهرها به عنوان مصرف کننده از اهمیت زیادی برخوردار بوده است.

قرون وسطی آغاز عصر توسعه شهری در اروپاست. این دوره نه تنها در زمینه سیاسی اجتماعی دوره ای بسیار پیچیده است بلکه شهرها نیز تقریبا تنوع نا محدودی از فرم های گوناگون را عرضه می دارند. در توسعه شهری اروپا ویژگیهای همگون فرم شهری شباهت های مشترک این شهرها است.

**دستگاه کلیسا:**

در جامعه روستایی که مبانی جامعه فئودال را تشکیل می داد کلیسا ها معمولا در بیرون از باروی شهر ها در نزدیکی مقابر قدیسان بنا می شدند که بنا بر قوانین روم نمی شد جنازه هایشان را داخل شهر دفن کرد و حتی مقر اسقف ها نیز در آغاز، بیرون از باروی شهر قرار داشت.

دهات و روستا در قرن یازدهم در سراسر دنیای مسیحیت رو به گسترش بود و قلعه ها موجودیت خود را در روستا ها حفظ کردند. روستا مجموعه ای از منازل و مزارع است که کلیسا و قبرستان در ساختار آن نقش محوری دارند.

از زمانیکه دستگاه پاپ روز بزرگداشت همه درگذشتگان را در روز دوم نوامبر هر سال مرسوم کرد وحدت بین مردم زیادتر گشت. کلیسا ها در مرکز روستاها واقع می شوند و کشیشان درآنجا سکونت دارند و مشغول حل و فصل امورات مردم می شوند و آیین های مذهبی را اجرا می کنند و اهالی روستا مدام درحال ارتباط با کشیشان هستند. با وجود سقوط امپراطوری روم زمینه تجاری بسیاری از شهرهای رومی بخصوص شهرهای واقع در جنوب سرزمین گل همچنان تداوم یافت.

نباید نقش بسزای کلیسا درتداوم زندگی شهری در بسیاری از بخشهای اروپای غربی را نادیده انگاریم. "بطور کل کلیسا تقسیمات سیاسی امپراطوری را بر اساس نظام کلیسای خود قرار داد و محدوده قلمرو اسقفی را بر طبق محدوده یک سیوتاس تعیین نمود. از آنجاییکه این مناطق تحت تاثیر سازمان پادشاهی آلمان قرار نگرفتند این شهرها همچنان عملکرد تجاری خود را حفظ نمودند و فعالیتهای تجاری خود را از عرضه محصولات ساده محلی گرفته تا فعالیت های تجاری نسبتا وسیع ادامه دادند"

«قرن یازدهم و دوازدهم دوران ساختمان های عظیم و بزرگ بود و کلیساهای پر عظمتی در سراسر نواحی اروپای غربی ساخته شد.» در شهرهای مثل فلورانس، پیزا، شارتر و یورک گاهی ضروری بود که تماممردم را زیر یک سقف گرد آوردند. در صومعه های معمور کلیساهای دیری می بایست آنقدر بزرگ باشد که گنجایش رهبانان، راهبه ها و مردم را داشته باشند. ساختن زوایا و اماکن مخصوص برای حفظ اشیایکه از قدیسان به یادگار مانده بود با حجره هایی برای عبادت انفرادی و حرم مخصوص برای اجرای شعایر مهم دینی ضرورت داشت.

برای ایجاد کلیسای جامع یک نوع معماری جدید به این مناسبت رشد و تکامل یافت که پیش از آن دیده نشده بود و برای این امر اجیر کردن معماران حرفه ای که استاد بنا و گاهی استاد سنگتراش بودند ضرورت پیدا کرد. «سنگینی و فشار طاقها و سقف های سنگین به پشتیبان های بزرگی که در خارج از عمارت و ساختمان اصلی بودند منتقل گشت و در داخل فقط ستون های ظریف و کشیده طاقهای بلند و بسیار مرتفع را نگه می داشتند که حیرت و شگفتی را بر می انگیخت.»

اين عمل بخاطر بكاربردن طاقهاي جناقی همگن گرديد كه از روش معماري عربها اقتباس شده بود.

در روي تمام ساختمان هم برجهاي بسيار مرتفع بود كه با پله اي مارپيچ به سوي آسمان ميرفت. يكي از چيزهاي ديگر كه در آن زمان پيدا شد به كار رفتن شيشه هاي رنگين در پنجره هاي كليسا بود.

كليسا هسته بسياري از شهرهاي قرون وسطي را پي ريزي نموده و از قدرت خود براي فرو نشاندن اغتشاشات كه در همه جا وجود داشت استفاده نمود.

فضاي باز ديگري كه در مقابل كليسا بود به پارويس شهرت داشت كه مومنین قبل و بعد از مراسم در آن اجتماع مي كردند.

**حصار اطراف شهر:**

شهرها براي دفاع از خود در برابر تهاجم دشمنان بر دور شهر حصار و بارويي مي ساختند. ديوارهاي شهر در قرون وسطي ضخيم تر و قطور تر شدند و بيشتر ديوارهاي اطراف شهر مربوطه به دوره هاي قبل كه از بين رفته بودند ترميم شدند زيرا ديوارنماد شهر و مدنيت محسوب مي شود.

با رشد سريع جمعيت و شهرها و نبود فضا در درون حصارها حصارهاي جديدي ساخته مي شد كه بسيار پرهزينه تر از ساير كارهاي عمومي شهرها بودند. حصار شهر هم مهمترين عامل تعيين كننده فرم شهري بود. با افزايش جمعيت و مهاجرت روستائيان به شهرها اين گونه شهرها را براي جاي دادن جمعيت بسيار كوچك بودند لذا محله هاي جديدي در كنار دروازه ها شكل گرفت كه حومه ناميده شد و رفته رفته از هسته اصلي بزرگتر گرديدند.

همچنين قرار دادن ساختمان هايي نظير كليساها ديرها و دژ ها در داخل حصار ناچار به ساختن حصار جديدي به دور آن مي شدند و اين امر تا زماني ادامه مي يافت كه برخي شهرها داراي چندين مجموعه حصار مي شدند. «در قرن چهاردهم ميلادي از اهميت حصار دفاعي كاسته شد و از آن پس حصارها به عنوان مانعي براي اخذ گمرگات محسوب مي شد و با اخذ حقوق گمركي از كليه كالاهايي كه از دروازه هاي شهري مي گذشتند منافع تجاري شهروندان حفظ مي شد.»

کلیسا هسته بسیاری از شهرهای قرون وسطی را پی ریزی نموده و از قدرت خود برای فرونشاندن اغتشاشات که در همه جا وجود داشت استفاده نمود.

فضای باز دیگری که در مقابل کلیسا بود به پارویس شهرت داشت که مومنین قبل و بعد از مراسم در آن اجتماع می کردند.

**ویژگیهای کلی سیاسی- اقتصادی شهرهای اروپا در قرون وسطی:**

* شبکه خیابانی شهرهای قرون وسطایی بی نظم بودند ولی به هر حا ل خیابانهایی به شکل انتظام یافته ای بودند که شکل یکپارچه ای را دست می داد و فضای محله و شهر در آن موجود بود. خیابانها از لحاظ شکل و ابعاد با هم دیگر تفاوت داشتند بعضی از این خیابانها طویل و دراز بودندو کوچه های تنگ و تاریک نیز در ارتباط با خیابانها بودند و به آنها راه می یافت. از خیابانهای فرعی تنها برای آمدو شد استفاده می شد در حالیکه خیابانهای دیگر هر یک نقشی از قبیل عبور ومرور وسایط نقلیه و بار توقف و استراحت، تجارت یا گردهمایی مردم را داشتند. ساختمانها بلندبودند و طبقات دوم نسبت به طبقه اول به طرف خیابانها پیشروی داشتند.
* فضای عمومی شهری دارای ساخت پیچیده و درهمی بود چرا که ناگزیر به رعایت قدرتهای مختلف و گوناگون حاضر در شهر نظیر حکومت اسقفی، حکومت شهرداری، قدرت فرقه های مذهبی و اتحادیه های صنفی بود. شهرهای بزرگ دارای یک مرکز واحد نبودند و در آن یک مرکز مذهبی شامل کاخ داران اسقفی، یک مرکز قدرت مدنی با کاخ شهرداری، و یک یا چند مرکز تجاری و تالارهای اتحادیه های صنفی دیده می شد. شهر ها به محله ها تقسیم می شد و هرمحله دارای ویژگی خاص خود بود و با بزرگتر شدن شهرها مراکز فرعی در محله های واقع درحومه شهرها بوجود می آمد.
* شهر های قرون وسطایی موجودیتهای سیاسی ممتازی بودند. بورژوازی شهر که اقلیت بودند ونسبت به کل جمعیت موجود در شهر به نسبت کمتر از آنها بودند. این طبقه از سده یازدهم تاچهاردهم شدت افزایش پیدا کرد. مرکز شهر جایی برای زندگی مرفه بود افراد بسیاری میخواستند در آنجا سکونت کنند و طبقات فقیر در حومه شهر ها ساکن بودند. در مراکز شهر کاخ شهرداری کلیسا و نقاط پر اهمیت قرار داشتند. دور شهر ها را حصارها تشکیل می دادند که مدامبا افزایش جمعیت و کم بود فضا به تعداد حصارهای اطراف شهر اضافه می گردید.
* چهارمین ویژگی شهرهای قرون وسطی که می توان به آن اشاره نمود به کار بردن شیوه ایمعین برای ساخت و ساز بودو همچنین بکار بردن سبک گوتیک در ساخت کلیسلهای بزرگاست. که زیبایی خاصی به این گونه شهر ها می داده است.

**نقش تجارت در احیاء و گسترش شهرهای قرون وسطی**

انسجام اقتصادي و حيات شهري بعد از سقوط امپراتوري روم غربي به دليل آزاد بودن راه تجاري مديترانه همچنان پابرجا بود. ولي از زمانيكه كنترل مديترانه بدست مسلمانان افتاد امور تجاري بكلي مختل شد و در اواسط قرن هشتم ميلادي بندر مارسیتجارتش نابود شده بود و در قرن نهم پرونس كه روزي ثروتمندترين كشور سرزمين گل بود فقيرترين آن ها محسوب مي شد. و حملات اتريشيها و نروژيها به سواحل شمالي و غربي در اين دوران پر اغتشاش هرگونه تجارت عمده¬اي بخصوص تجارتي كه قبلا بر اساس كار تجارت حرفه اي بين الملي بود غير ممكن مي نمود.

درنتيجه اقتصاد پاياپاي جاي اقتصاد مصرفي را گرفت و از اين پس هرمالك بزرگي به جاي حفظ روابط خود با دنياي خارج دنياي كوچكي را براي خود ايجاد نمود. و قرن نهم ميلادي را اقتصاد وابسته داخلي يا به بياني دقيق تر اقتصاد بدون بازار مي ناميم. ثبات سياسي و احياء روابط تجاري درقرن دهم و يازدهم ميلادي حياتي مجدد به بسياري از شهرهاي رومي بخشيد. قبل از اين دوران تجارت جزئي وجود نداشت و تجارت كل رونق يافته بود؛راهها خوب نبود واز امتعه و اجناس عوارض بي شماري در راه مي گرفتند. اشكالي ديگري كه در معاملات تجاري ظاهر شد اختلاف سكه بود ؛ زيرا هر ناحيه سكه خاصي داشت. طلا و نقره كمياب بود و قرض كردن هم صعوبت داشت.

غلبه اعراب بر شمال آفريقا و اسپانيا الگوهاي قديمي تجارت را تغيير داد و باعث شد اروپاي غربي به جاي نگاه به درياي مديترانه به سمت شمال بنگرد؛ زيرا تجارت در اكثر اروپاي غربي در اواخر قرن هشتم ميلادي در حد پايين بود و تنها در اثر تجارت ميان اعراب و اروپاي غربي بود كه به تدريج رشد و توسعه يافت.

اعراب داراي نمايندگي هاي فعال براي ترويج اين تجارت بوده اند، تا حدود 800 ميلادي با قدرت ناوگانشان بر اكثر مديترانه مسلط شدند.

"تا نيمه دوم قرن دهم، بازرگاني بين اروپاي غربي و دنياي اسلام با يك الگوي خاصي در حال توسعه بود، و حجم مبادلات روز به روز بيشتر مي شد. مطلب قابل توجه اين بود كه انتقال كالا در ابتدا درياي مديترانه به جاي آنكه به دست اعراب باشد مي رفت. كه در دست ايتاليايي ها قرار مي گيرد. "

به نظر ميرسد در حدود سال 1000 ميلادي تغييراتي در حجم مبادلات و بازرگاني در مسيرهاي گوناگون به وقوع پيوسته است كه برخي از اين تغييرات مربوط به رشد و توسعه قدرت فاطميان مي شد. آنان با رد تقاضاي خلفاي عباسي در 909 ميلادي يك سلسله شيعي تاسيس كردند و در سال 969 ميلادي بر مصر غلبه كردند و مركز دولتشان را به آنجا انتقال داده و قاهره را به عنوان پايتخت كشورشان بنا نهادند.

فاطميان به خاطر اهداف توسعه طلبانه خود، نيازمند چوب براي ساخت كشتي يا كشتي هاي آماده بودند. آنها همچنين به آهن ايتاليا و ديگر بخش هاي اروپا محتاج بودند. از اين رو تجار ايتاليايي كه در تونس تجارت داشتند ترغيب شدند تا مستقيما به مصر بروند. " واردات اروپا به جهان اسلام عمدتا كالاهاي مصرفی بود و در عوض مواد خام و برده به جهان اسلام صادر مي كردند"

"تمام ترقيات قرون وسطايي، جميع عرصه بازرگاني و جهان مسيحي، همه شور و اعتقاد مذهبي و كليه قدرت فئوداليسم و فريبندگي شواليه گري در 200 سال جنگي كه براي روم شد و منافع بازرگاني درگرفت و اوج كمال و دوره اعتلا رسيد. "

جنگهاي صليبي تغييرات چشم گيري در اروپا بوجود آورد. "جنگجويان صليبي بعد از بازگشت به قلعه و املاك خود در اروپا افكار تازه و سليقه اي جديدي را با خود به همراه آوردند"

ابريشم، شكر و ادويه جاتي چون فلفل، زنجبيل، گل ميخك و دارچين پيش از جنگهاي صليبي اقدام تجملي و كميابي بودند. اينك شواليه ها و نجيب زادگان بيش از پيش خواستار اين اجناس بودند. در عين حال فتح قسطنطنيه، سفر زائران و جنگجويان صليبي فلسطين و نقل و انتقال پارچه و اسلحه و ديگر ملزومات بر تجارت و مسافرت بين اروپا و خاورميانه بسيار افزوده بود.

بازارهاي جديدي در خاور ميانه در تقاضا براي پارچه پشمي انگليسي، منسوجات ايتاليايي و فنلادي و فولاد آلمان افزود. رشد تجارت باعث رشد سريع و رفاه بيشتر طبقه متوسط اروپا شد. كه عمدتا از بانكداران، بازرگانان و پيشه وران تشكيل مي شد.

شيوه هاي بهتر بانكداري و اشكال جديد وام و اعتبار بانكي نيز از بیزانس فراگرفته شد. در نتيجه جنگهاي صليبي اجناس بيشتر، پول بيشتر و مردم بيشتر، افكار بيشتر در سراسر غرب به گردش در آمد. "

مهمترين تجارت، خريد و فروش ادويه بود كه به وسيله بازرگانان غرب از شرق خريداري مي شد و بازرگانان ديگر آنها را در بنادر مديترانه تحويل گرفته و در اروپا به فروش مي رسانيدند"

تجديد حيات اقتصادي اروپا از اواخر سده دهم ميلادي آغاز شد. فراورده هاي كشاورزي بيشترشد و صنعت و تجارت بار ديگر نقش اقتصادي با اهميتي پيدا كرد. نو آوريهاي فني در كشاورزي و گسترش آسيابها و تاثير شهرهاي بندري (ونيز، صبوا،پيزا و آمالفي) كه ضمن فعاليتهاي تجاري بين المللي در درياي مديترانه، انگيزه پيشرفت ديگر شهر را به عنوان مراكز تجاري باعث شدند. " جاه طلبيهاي شهرهاي ايتاليايي مانند پيزا و جنووا، و نيز و آمالفي كه مي خواستند دامنه قدرت تجاري روز افزون خود را بسط دهند هنگامي كه نورمانها سیسیل را از دست مسلمانان بيرون آوردند. (1061-1091) و لشكرهاي مسيحي حوزه حكومتي مسلمين را در اسپانيا كاهش دادند. (از 1085 به بعد)، مديترانه باختري به روي بازرگانان مسيحي بازشد. شهرهاي ايتاليايي از راه بنادر صادر كننده كالاهاي داخلي و مصنوعاتوراي آلپ ثرتمند و نيرومند تر شدند و درصدد برآمدند به برتري مسلمانان در مديترانه خاوري پايان داده، بازارهاي خاور نزديك را به روي امتعه اروپاي باختري بگشايند "

ونيزي ها امتعه شرق را به آدرياتيك آوردند و آنها را به بازرگاني كه از نواحي مركزي اروپا آمده بودند فروختند و درسرزمين فنلاند و در شمال، منسوجات پشمي پديد آمد. پارچه هاي پشمي فنلاندي از همه جهت بي نظير بود. به طوريكه در ساير نقاط جهان نمي توانستند از آن تقليد كنند. به همان نحو تهيه اجناس وامتعه مشرق جز از طريق بازرگانان ونيز، یا ژن، يا پيزا امكان نداشت. عده زيادي از بازرگانان، براي اشاعه اين كالا ها در حركت بودند ؛پول رواج بيشتري پيدا كرد. بازرگانان شروع به تهيه و تدارك قرارگاه دائمي براي خويش نمودند و در شهرهاي متروك روم، يا در نزديكي مقر اسقف ها و اشراف مقيم گرديدند تا مردم توابع را به عنوان مشتري جلب كنند. اربابان پيشه و هنر كه از املاك پر جمعيت اربابي بيرون آمده بودند، در اين مراكز روزافزون اقامت گزيدند تاامتعه خود را به اعيان يا بازرگانان علاقمند عرضه دارند.

"هرقدر بر عده مردمي كه در اين قبيل مراكز گرد آمده بودند افزوده مي گرديد، بيشتر به خوارباري كه در روستاها به دست مي آمد احتياج پيدا مي شد و هر قدر بيشتر هنرمندان و ارباب حرف از دهكده ها بيرون مي آمدند به همان نحو احتياج مردم روستا و اعيان و سرف ها به تهيه پارچه و ادوات ساده و وسايل طبخ از شهرها زيادتر مي گرديد، به اين ترتيب، مراكز محلي داد و ستد بوجود آمد و توسعه يافت"

همچنين بازرگانان هرگز حاضر نبودند مثل روستائيان به اعيان فئودالي متكي باشند و به مرور خواستار اين بودند كه شهرهاي خود را خودشان اداره كنند و به اعيان ماليات و خراج نپردازند.

در سنه 1100 ميلادي، شهرهاي كوچك براي رهايي از قيد فئوداليسم سخت تلاش مي كردند و جمهوري هاي كوچك خود مختاري تشكيل مي دادند.

"تجارت ازمائه دوازدهمبه بعد رونق گرفته حال تجار بهبودي يافت. مسافرت و معاملات تجاري بهتر شد چون پادشاهان خود به منافع آنان پي بردند تا توانستند موجبات تسهيل كار را فراهم كردند و مزايايي در حق تجار برقرار كرده و آنها را در تحت حمايت رسمي خود گرفتند"

بهبود روشهاي كشاورزي نه تنها سرف ها را آزاد كرد بلكه موجب نياز به شهرها شد. شهرها مراكز تجاري بودند كه در آنها مواد غذايي و ديگر اجناس توليدي ملك هاي اربابي را مي شد خريد و فروش كرد. افزايش سريع جمعيت نيز با افزايش مواد غذايي همراه شد و بسياري از مردم در جست و جوي كار راهي شهر ها شدند.

رشد شهرها درطول قرون وسطي به زوال فئوداليسم كمك كرد. شهر قرون وسطايي با نظام فئودالي چندان جور درنمي آمد. ساكنان شهرها شهروندان حكومت مركزي بودند و به جاي عوارض فئودالي، ماليات مي پرداختند. از آن گذشته بسياري از شهرها با هم پيمان شدن با پادشاه به ویژه در فرانسه، خود را از سلطه اربابان فئودال آزاد ساختند.

ساكنان شهرها ترتيبي دادند كه فرماني از جانب پادشاه صادر شود كه به آن ها اجازه مي داد بر خود حاكم شوند و نظام قضايي خود را برپا دارند، پادشاه نيز از صدور اين فرمان بهره مند مي شد. چون بدين وسيله قدرت خود، يعني اربابان محلي را كاهش مي داد. "درمائه دوازدهم و سيزدهم بسط دامنه كار و رونق اقتصادي در رشته فلاحت و صناعت و تجارت ترقي مدنيت را آشكار مي ساخت. مخصوصا امر فلاحت به اندازه اي وسعت يافت كه صورت اروپا را تغيير داده و آباديهايي را كه امروز نيز برجاست داير كرد.

قطعات بزرگي از جنگل و دريا و مرداب زير كشت رفت.

در فنلاند اراضی بسیاری که از دریا گرفته شده بود در قرن دهم و یازدهم بخصوص برایپرورش گوسفند مورد استفاده قرار گرفت و پشم این گوسفندها در صنعت پارچه بافی مورداستفاده بود. در قرن دوازدهم بسیاری از این گوسفنداری ها به چراگاههای گاوان و حتی بهمزرعه تبدیل شدند. این تغییر در اقتصاد زراعی فلاندر، در کنار بسیاری عوامل دیگر، یکی ازعواملی بود که افزایش شدید حجم واردات پشم انگلیسی را در بر داشت. افزایش این تقاضا درانگلستان موجب اشاعه قابل ملاحظه پرورش گوسفند شد.

کشت گیاهان صنعت رنگ رزی نیز در توسعه صنعت پارچه بافی فلاندر اهمیت داشت. بهره برداری از زمینهای مردابی یا لم یزرع، سبب افزایش کشت تاک گردیده بود که با استفاده از این امر می¬توانستند شراب بیشتری تولید کرده و به دیگر جاها صادر کنند. همین عوامل بسیار جزئی در توسعه بازرگانی بین المللی و تو سعه صنعت اختصاص یافته به صادرات بسیار با ارزش بوده است در نیمه دوم قرن دوازدهم تجارت بین ایتالیا و سرزمینهای شمالی آلپ شدت بیشترییافت. بازرگانان شخصا کالاهای خود را به ایتالیا آوردند و به فروش می رساندند.

**تشکیل اتحایه های بازرگانی:**

شهرهای قدیمی روم رو به زوال بودند و معدودی شهر در قرن نهم و دهم میلادی در اروپایغربی باقی مانده بود. مراکز دادوستد و بازرگانی وجود خارجی نداشت، صنایع و پیشه های سادهای مثل پارچه بافی، فلزکاری و براق سازی جنبه محلی داشت. و در ملک اربابی صورت میگرفت و کمتربازگانی پیدا می شد که کالاهای گران قیمت، ادویه و ابریشم مشرق زمین را برایاستفاده اعیان و اشراف می آورد. طرق تجارتی ابتدا در ونیز که امتعه مشرق را به آدریاتیک می آوردند و آنها را به بازرگانانی که "از نواحی مرکزی اروپا می آمدند می فروختند شروع شده بود. "

«منسوجات پشمی در فلاندر گسترش پیدا کرد. تهیه اجناس امتعه مشرق زمین جز از طریق بازرگانان ونیز، ژن یا پیزا امکان نداشت. عده زیادی از بازرگانان به خاطر خواهان زیاد این گونه اجناس در اروپا مشغول به فعالیت گسترده ای شدند. و پول رواج بیشتری پیدا نمود و بازرگانان شروعبه تهیه و تدارک قرارگاه دایمی برای خویش نمودند و در شهرهای متروک روم، یا درنزدیکی مقر اسقف ها و اشراف مقیم گردیدند تا مردم توابع را به عنوان مشتری جلب کنند. اربابان پیشه و هنر که از املاک پر جمعیت اربابی بیرون آمده بودند، در این مراکز روز افزون اقامت گزیدند تا امتعه خود را به اعیان یا بازرگانان علاقمند عرصه دارند. »

این شیوه که اندک اندک آغاز گردیده بود، تدریجا رشد و توسعه یافت. هر قدر بر عده مردمی که در این قبیل مراکز گرد آمده بودند افزوده می گردید، بیشتر به خوارباری که در روستا ها به دست می آمد احتیاج پیدا می شد و هر قدر بیشتر هنرمندان و ارباب حرف از دهکده بیرون می آمدند به همان نحو احتیاج مردم روستا و اعیان و سرف ها به تهیه پارجه و ادوات ساده و وسایل طبخ از شهرها زیادتر می گردید به این ترتیب مراکز دادو ستد به وجود آمد و توسعه یافت. ویژگی جامعه سده های میانه، که بر بنیاد زمین داری سازمان یافته بود، خشونت و جنگ بسیاربود. بازرگانان برای حفظ خود تشکیلاتی بوجود آوردند.

کهن ترین تشکیلاتی که در سده های یازدهم و دوازدهم متداول گردید، صنف بازرگانان بود» بازرگانان برای حل و فصل کارهای بازرگانی و بهره مند شدن از اجتماع دیگر، معمولا در تالاری که ملاقاتگاه اعضای صنف به شمار می رفت، جمع می شدند. برای هزینه کفن و دفن ها، تدارک جهیزیه، دستگیری از یتیمان، شرکت در کارهای خیر از جمله اموری بودند که راجع به آن بحث و قول و قرار می گذاشتند.

آنان وارد مسایل سیاسی نیز شدند. برای در امان ماندن از چپاول کاروانهای خود و همچنین سازمان دادن و حفاظت از آن که وظیفه خاص صنف های بازرگانی بود وارد عمل شدند. «به همین خاطر بازرگانان درباره پول، صرافی، قروض و عقود رسید و بارنامه برای خود قوانین ومقرراتی را طی مرور ادوار وضع کردند. آنان همچنین مایل بودند که شهرهای خود راخودشان اداره کنند و به اعیان همجوار مالیات و خراجی نپردازند. »

در حدود سنه 1100 میلادی شهرهای کوچک برای رهایی از قید فئودالیسم در تلاش بودند تا جمهوریهای خود مختاری تشکیل دهند. این امر در شهرهای نزدیک به هم و در نقاطیکه بر سر شاهراه های تجارتی بزرگ قرار گرفته بود بخوبی دیده می شد.

"این شهرهای مستقل منشوری از طرف پادشاه برای آزادی خود دریافت می کردند. طبق این منشورها هر شهری حق داشت که به میل خود، عمال آن دولت محاکمه حقوقی و دادگاه های خود را تاسیس کند و در ازای تعهداتی که به جای سنن فئودالیته به گردن گرفته بود. مالیاتی را که خاص خود می دانست به خزانه سلطان بفرستد. "

"دستگاه حاکمه شهر نیز به نوبه خود کوشید تا مانع شود که صنف ها و اتحادیه ها، بدون اجازه آن دستگاه، برای خود منشورهایی بدست آوردند. اگر جه انجام این مقصود میسر نشد، اما شهرها حداقل کوشیدند برای این منشور صنف ها و اتحادیه ها، محدودیت هایی پدید آوردند که قلمرو عمل ایشان را در منطقه معینی، به طور دایمی محدود نگاه دارد. ار آنجا که تمام شهرها برای تثبیت خود مختاری خود با یک ارباب مانوری سیاس کنار می آمدند، به ناچار در همه قلمروها بیرون ازشهرهای ایتالیایی تقسیم قدرت قانونی میان شورا و اصناف پیش می آمد که خود به مساله قدرت تبدیل می شد. "

اغلب اوقات شهرهای مختلف دست اتحاد به هم میدادند یا با هم اعتلاف می کردند که از تمایلات اعیان غارتگر، یا امیال سلاطین جاه طلب و یا تجاوزات دزدان و قطاع الطریق جلوگیری نمایند.

**اتحادیه هانس:**

در قرن دهم، تعدادی از شهرهای آلمان که با انگلیس، فنلاند، سوئد و رئسیه روابط تجارتی داشتند، برای حفظ منافع خود متحد شدند. تعداد این شهرها به تدریج افزایش یافت و دو قرن بعد، شرکتی بنام اتحادیه هانزا را که یکی از مشهورترین تشکیلات تجارتی قرون وسطی بشمار می رفت بوجود آوردند. اعضای این اتحادیه، امور تجارتی را از فنلاند تا دانمارک بدست گرفتند و بدین ترتیب برتری آنها بر اسکاندیناوی، شمال غربی آلمان و دریای شمال مسلم شد. این اتحادیه تجارت ماهی، پوست، موم، لوازم کشتی و نمک را در انحصار خود در آورد و طی قرن چهاردهم و بخشی از قرن پانزدهم رقیبان خود را از پرداختن به این تجارت بازداشت. اتحادیه هانزا در کشورهایی که با آنها روابط تجارتی داشت، مقام مهمی بدست آورد. بدین معنی که به فرمانروایان آن کشورها وام می داد و برای کالاهایی که تولید کنندگان آن سرمایه ای در اختیار نداشتند و نمی توانستند برای خود بازاری بیابند بازار فروش پیدا می کرد و در عوض از پرداخت حقوق گمرکی مالیات بر در آمد و مستقلات بیز معاف می شد. چهار مرکز اتحادیه هانزا عبارت بود از کلنی، لوبک، برونسویک و وانزیک. نوبک به منزله پایتخت این اتحادیه به شمار می آمد این اتحادیه در قرن پانزدهم انحصار تجارت دردریای شمال را در اختیار داشت. از قرن شانزدهم به بعد نفوذ این اتحادیه رو به کاهش نهاد، بطوریکه در سال 1669 میلادی فقط 9 عضو در آن شرکت داشتند. »

**اتحادیه ونیز:**

جمهوری ونیز، به عنوان یک اتحادیه بزرگ در قرون وسطی بود. ونیز، فقط به تجارت نظم ونسق نمی داد بلکه به کشتیرانی و کشتی سازی نیز می پرداخت. بطوریکه در قرن پانزدهم کشتیهای تجاری ونیز، 250 تن محموله را در خود جای می دادند.

**تشکیل اتحادی های صنفی:**

بعداز آنکه صنفهای بازرگانی مدتهای طولانی، بازرگانی شهرها را می گردانید تشکیلات دیگری چون صنف صنعتگر بوجود آمد. و علت بوجود آمد آن این بود که صنفهای بازرگانی ثروتمند، اشراف منش و انحصار طلب بودند منافع بازرگانان فرودست را ندیده می گرفتند، با آنها بدرفتاری می کردند و با بی رحمی از آنها کار می کشیدند. در سده سیزدهم میلادی که موقعیت به رفاه گرایید، کارگران به این نتیجه رسیدند برای حفظ خود باید متشکل شوند این جنبش در اکثر مراکز پیشرفته صنعتی، مانند ایتالیای شمالی، سرزمین راین، هلند و فنلاندر بیشترین طنین راداشت.

با افزایش شهرها و زیادی جمعیت در آنها در قرن دوازدهم و سیزدهم میلادی، توده اصلی شهراز صنعتکاران تشکیل می یافت. صنعتگرانی که می توانست حق داشتن کارگاه مخصوص به خود را بدست آورد استادکار نامیده می شد. کارگاه در خانه استاد کار قرار داشت و علاوه بر خود او تمام اعضای خانواده اش نیز کار می کردند. صنعتکاران با ابزاری ساده کار می کردند و در تهیه مصنوعات تخصص داشت و تمام عمر در آن رشته کار می کرد به همین سبب مصنوعات دستیبه صورت قابل ملاحظه ای تکامل یافت.

"تمام صنعتکاران هر رشته، در اتحادیه صنفی خود بهم می پیوستند. در هر شهر اتحادیه های صنفی آهنگران، سنگ تراشان بافندگان، رنگرزان، نانوایان و غیره دیده می شد کسی که عضو صنف نبود حق نداشت در شهر به حرفه ای اشتغال ورزد، فقط عضو صنف می توانست کارگاه باز کند و هر صنف برای خود رئیسی انتخاب می کرد. "

هر صنف نظامات خاصی برای خود مقرر کرده بودند. و هدف آنان بهبود کیفیت محصول بود اما این مقررات پیچیده خود مانع رشد آتی تولید می شد اصناف با هر گونه ابتکار و اختراعی دشمن بودند و به همین جهت صنایع دستی نمی توانست تکامل یابد.

"هر صنف مرکب از چهار دسته بود، شاگرد، کارگر، استادکار و ریش سفید. "

متشکل کردن کارگران در صنفها، نخست درد سر و حتی برخوردهایی به بار آورد. حکومت شهرها به رویارویی با صنفها ی صنعتگران برخاست و برای جلوگیری از تشکیلاتشان به نیروی مسلح متوسل شد. چرا که حکومت در دست کسانی بود که بر گزیده بازرگانان ثروتمند بودند و طبیعتا با صنفهای صنعتگران که قصد داشتند برای دستمزد ها، ساعتهای کارو امور مربوط به رقابتهای بازرگانی شرایطی تعیین کنند به مقابله برخاست. گروه استادان در راس صنفها قرار داشتند اینها در حرفه خود استاد بودند در کارشان موفقیت داشتند و تشکیلات کوچک و همبسته ای را با منافع یکسان ایجاد کرده بودند. استادان کارهای عمومی صنف را، که شامل امور خیریه، مهمانی و سرگرمی مراسم دینی مانند به راه انداختن دسته های مذهبی، وضع مقررات تازه و تحکیم مقررات قدیمی بود، اداره می کردند.

بعد از استادان گروه کارورزان قرار داشتند. کارورزی چند سال طول می کشید و بستگی به حرفه داشت کسیکه تازه داخل حرفه ای می شد به شاگردی می نشست و به تفاوت حرفه ها از سه تا دوازده سال شاگردی می کرد. استاد خوراک و منزل شاگرد را می داد و به عهده می گرفت که با او خوش سلوکی کند و به او کار یاد بدهد و ضمنا حق داشت که او را بزند. پس از شاگردی دوره کارگری فرا می رسید کارورزان بعد از پایان دوره، شاگرد روز مزد می شدند و در برابر کاری که انجام می دادند مزد در یافت می کردند و با این پول می توانست سرمایه ای برای خود جمع کرده و مغازه ای برای خود ترتیب دهد. و در آینده می توانست با ارائه یک کار عالی به جرگه استادان وارد شود. ابتدا ریش سفیدان تحقیق می کردند که آیا داوطلب خوش نام است و آن اندازه مایه دارد که بتواند چرخ کار خود را بگرداند یا نه و سپس برای تعیین پایه استادی وی او را امتحان میکردند و ساخت چیزی که شاهکار داوطلب بود را از او می‏خواستند. به این ترتیب او می توانست وارد حوزه استادی شود و قول می داد با درستی کسب کند و اساسنامه صنف را رعایت کند.

«هر صنفی مقرراتی داشت که استادان وضع می کردند و به تصویب مقامهای شهر می رساندند واگر اداره صنفی کاملا در دست خودش بود سرپرستان را بر می گزید و قوانین ویژه خود را میگذاشت.» صنف ناظرانی نیز تعیین می کرد که هر آن میتوانست به محل کار استادان بروند واجرای دقیق مقررات را ببینند. سازمانهای صنفی مراقب بودند که همه استادکاران در شرایط یکسانی کار کنند و برای هیچکس امکان ثروتمند شدن بوجود نیاید. تعداد کار آموز استادکار را معین می کردند و از نصب آگهی و تابلو هایی که ممکن بود خریداران را از مراجعه به استادکاران دیگر منصرف کند جلوگیری می کردند دستگیری از اعضای ورشکسته و همچنین بیوگان و یتیمان هر صنف به عهده خود آن صنف بود. برای بحث درباره امور مربوط به صنف درمحل اتحادیه اجتماعاتی ترتیب داده میشد و نیز در مواقع جشن و سرور در همان جا سور و ولیمه برقرار بود. اعضای صنف می بایستی در دفاع و حفاظت شهر شرکت کنند.

در میان صنعتکاران برابری وجود نداشت. وضع پادوها و کارآموزان بسیار سخت بود. در ابتدا استادکاران خود همگی صنعتکاران کوچکی بودند که پا به پای کار آموزان و شاگردان خویش کار می¬کردند. اما کم کم تولید گسترش یافت، محصولات صنعتی بازار فروش وسیعتری پیدا کرد و استادکاران ثروتمند شدند و آنگاه عدم تساوی در درون صنف قوت گرفت.

تمام عواید به استادکاران تعلق داشت و آنها مدام ثروتمندتر می¬شدند و آنان بصورت گروه جداگانه-ای در آمدند، استادکارشدن شاگردان از قبل سخت تر گردید و تنها پسر و داماد استاد کار می¬توانست جای او را بگیرد برای شاگردان ساده مقررات مشکل تری تنظیم گردید. «برای پذیرفته شدن در صنف کار آزمایشی بغرنجی مقرر شد و هر شاگردی که می خواست عنوان استادکاریبدست بیاورد سور مفصل و پر خرجی به تمام اعضای صنف می داد.» شاگردها به تشکیل اتحادیه های خاص خود دست زدند و دست مزد بیشتر و روز کار کمتر مطالبه کردند و همچنین دست به اعتصاباتی برای منافع خود می¬زدند.

باید این را متذکر شد که هدف تشکیلات صنفی حمایت دو جانبه بود به همین دلیل برابری به جدیترین صورت حفظ می شد. با مقرراتی که وضع می شد استادکاران را مجبور به کار کردن درساعات معین و عدم کار در شب را وا می داشتند و همچنین نمی توانست ابزاری ابداع کند و آنهارا بر استادان هم قطارش برتری دهد.

خرید و فروش قاعده جدی داشت روستاییان مجاز نبودند فراورده هایشان را به خانه ها ببرند و بفروشند باید فراورده ها را در بازار عرضه می کردند. پیش خرید غلات مخالف قانون بود. خریدن کالاها بیش از رسیدن به بازار به قصد بالا بردن قیمت و بدست آوردن سود اضافی مغایرقانون بود. خرید کالا به مقدار زیاد به بهای کمتر و به قصد فروش آن برای سود بیشتر نیز ممنوع بود. ضبط کالا جریمه یا سلب حقوق مدنی کیفر متخلفان بود.

گسترش بازرگانی و صنعت در سده های میانه گذران معاش گروه بیشتری را ممکن ساخت. رشد سرمایه داری زندگی روستایی را نیز دستخوش تحول ساخت. روستائیان مازاد محصولات خود را به بازارهای شهر می فروختند به همین جهت بدست آوردن پول آزادی خود را خریدند. اربابان بجای اجاره بها بصورت پرداخت محصول شروع به گرفتن پول کردند که این امر در آخر به ضرر آنها تبدیل شد. افزایش تدریجی حجم پول ارزش آنرا فرو کشید و کالاها و مواد خوراکی را گران ساخت. چون اجاره بهایی که روستائیان می پرداختند ثابت بود و ارزش خرید پول رو به کاهش داشت. از درامد واقعی اربابها کاسته شد و اشراف تنگدست شدند. رعیتهای وابسته به زمین اجاره وار در موارد بسیاری آزاد شدند. به این ترتیب زمینداری زیر تاثیر سرمایه داری رو به رشد دگرگون شد. بنیادهای ملک داری اربابی نه تنها از اهمیت افتاد بلکه دهقانان می توانستند اشراف را شکست دهند. و موقعیت ارباب که به توانایی نظامیش بستگی داشت نمی توانست در برابر آنان از خود دفاع کند و به نظر می رسید که شیوه کهن فئودالی به پایان خود رسیده باشد.

**منابع:**

*تاریخ شهر (شهرهای اسلامی و اروپایی در قرون وسطا)، لئوناردو بنه‏ولو، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی*

*تاریخ تمدن عصر ایمان، ویل دورانت، ترجمه یعقوب آژنگ، جلد4، تهران، مولی*

*اروپا در قرون وسطی، عزت ا... نوذری، شیراز، نوید*

*شهر در گذر زمان، ماکس وبر، ترجمه شیوا کاویانی*

*تاریخ تمدن، هنری لوکاس، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، جلد 1، تهران، سخن*